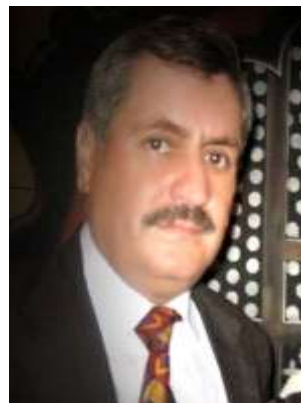


پش بڅک

(دیونم ببنځه)

نوښته: دوکتور خوش نظر پامیر زاد



۱۰ جدی ۱۳۹۱

(نویین ارد تر کانادا اهدا سوډ)

این قصه برای اطفال عزیز در سال ۲۰۰۲ در شهر کراچی ایجاد شد. آن زمان وقتی با تعدادی از کودکان مواجه می شدم و با آن ها چند پارچه شعر کودکانه را به زبان شغنائی در میان می گذاشتم، برای شان دلچسپ تمام می شد که پس از آن برای مصروف ساختن کودکان این قصه را نوشتم که با خواندن آن اطفال لذت می بردند. اما از آن جایی که هنوز مهارت خواندن را اطفال عزیز ندارند و از جانبی هم خواندن هر شعر، قصه و داستان کودکانه اطفال را سرگرم ساخته و برای شان خوشی را بوجود میآورد، لذا از مادران، پدران، خواهران و برادران بزرگتر اطفال خواهشمندم تا چنین نوشته جات برای آن ها بخوانند و به خوشی آن ها بیافزایند.

(پامیرزاد)



چوډې خو جای از بلا

چینی چینی تر زبا

چوښتی یو گهښچ صاف لاقک

وم خېم فریپت پی تاقک



چینی چینی پاډ پی بیر

زبد پی تاق وی دهم تیر

یه ست ذو بهین از بینک

چینی انگخت تر چینی

فکین قربنت گهپ کی کت

ار تگاف داد برلست سټ

از قهر خو گهپ یو ابابنت

پش صاحب وینگریج زابنت

پشک گیریت خبن سهم ارد

ذادی خبنث پش دهم ارد

پورگ قتی کبنت فهند نټدی

از تاق زبد په سبټدی

گهښت پهلې صاحب ست شت

سبټدی زیمبه وزمن سټ

پورگین پاتینا ریز اند شونت	خرهنگ ته پش گور یو چونت
پشک صاحب زهر ات مار	شُت شُتک توید تر خو کار
پش بڅی داذج خو مغل	گه گیر ته ذاکت خو بغل
یکبارې دید پیــــنکی	پورگ قتی کار قیــــنکی



پینکی اندیر پورگ پرذپود	جبق چید تیر وی مهغخ غرپود
از دست پورگ ناروم	مبث ات مذار بنهب ات بنوم
پورگ قتی خبن قستی سڅ	از قهر نه وزد تر کرڅ
قهرجنیخ ارد فا یو پورگ	پوند یبت کبنت هر جا یو پورگ
ملهنگک از قهر پلهنگ	زبــــد وی حُلَقی چود تهنگ

از شندي نينف پنت بروت	دهم ات پيخي وخن لوت
لو خو وانگخت تر تلک	وي خيغ ات پيغ بر فلک
مردیي چود تر زبا	فهند ات مکري قود پرا
یي لحظه یونه وروقد	رخيشتاو پوندي انجوقد
لوقد ته په تاق تُو ارد الياک	پش بڅک از وي چالاک
ياس وي خو لېنکر ارد دهک	غوزبن لهکچورج تر ترهک
نپد اردي قود خب بهنه	پاتېنا یرد زور داد تهنه



تر رپز فریپ خو وروقد پش اردي بناج لق انخوقد

دست گه یی تر پرا قود	یی دستي میذ تیر ربود
دیس بنای بُش اِردم یی پیس	لودی مردت میبند قیس
دس جای یرد دُبد کبنت کخای	چید ات میدپن تهنگت جای
شمشپر نید ات نید کمند	مرد میدون میدون اند
قهم ته پشپن کبنت یو ذر	بنمنی ته پورگین لِنکر
صد منت خبنپه فرپن	بهس خینگکپن ارد خُربن
کَنپن کمپیر بنده گی	مفت مفته یپن زنده گی
چیزی خه بند فکت باد	ملهنگک پوزخندی داد
از بناجت صد کورخ بِنکود	لودی مردپت معلوم چود
هزار ته ذهم سر به سر	چیزت تو قاتا تو لِنکر
دُبد اند زینم یو ات ییو	از جهون فک خو پورگ قیو
چاست مهش دُبد خورن ات وذج	ذر غل بنمنی یت اک شچ



پورگین پاتینایې قهر چود دستی خو بون تیر ربود



لودي قهرنيم از جهون نه لهکم پش یو نیون



(کهنده ریجن)